

دستم را بگیر دستت را بده

آداب کمک کردن و کمک گرفتن را یاد بگیریم

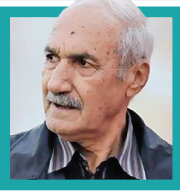
۱۰



دوست دارم نقش آدم‌های عجیب و غریب را بازی کنم

گفت‌وگو با رایحه اسکویی بازیگر نقش «طلا» در سریال مستوران

۱۲



به علی پروین گفتیم فوتبال برای شما

رضا وطنخواه، ملی پوش سال‌های دور فوتبال، از ادامه تحصیل و عضویت در هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف می‌گوید

۱۵

همیشه یک روز هفت‌م



عکس: فرشاد عباسی

مردم بهترین تعیین کننده حد و مرز برای کمدین هستند

با مجید افشاری، استندآپ کمدین و مجری شبکه نسیم



نیلوفر ذوالفقاری

تا همین چند سال پیش، کلمه استندآپ کمدی جایی در دایره لغات آشنای ما نداشت و کمتر درباره‌اش شنیده بودیم. معدود کسانی بودند که اجرای برنامه‌های خنده‌دار و طنز را بر عهده داشتند و همه چیز در فیلم‌ها و سریال‌های کمدی خلاصه می‌شد اما از چند سال قبل با اجرای برنامه «خنداننده شو»، ناگهان با مفهوم تازه‌ای آشنا شدیم. استندآپ کمدی و فردی که تلاشی می‌کند مخاطبان را بخنداند. چهره‌های بااستعداد و طنزازی کم‌کم مشهور شدند که یکی از آنها مجید افشاری بود؛ استندآپ کمدین محبوبی که تا مرحله فینال خنداننده‌شو بالا رفت. بعدها کارهای مختلفی از جمله اجرا و بازیگری را تجربه کرد و این روزها با فیلم «باز یوو» که یک کمدی موزیکال در ژانر کودک است، روی پرده سینما دیده می‌شود. با مجید افشاری از کمدی، خندانندن مخاطب و چالش‌های این کار حرف زدیم.

اولین بار چه شد که تصمیم گرفتید کار طنز و کمدی انجام دهید؟

از کودکی در مدرسه تئاتر کمدی و نمایش برگزار می‌کردیم. بعدها در دانشگاه هم این نمایش‌ها ادامه داشت. از وقتی به یاد دارم در فضاهایی که من حضور داشتم، خنده به‌راه بود، حتی پیش آمده بود که از کلاس اخراج کنند. طنز را دوست داشتم و اطرافیانم توصیه می‌کردند که این علاقه را جدی‌تر پیگیری کنم.

واکنش اطرافیان چه بود؟ به نظر آنها با مسز بودید و تشویق‌تان می‌کردند یا برعکس؟

کسی نمی‌گفت که کارهایم بی‌مزه است، اما وقتی خواستم کار را جدی‌تر شروع کنم و در برنامه خنداننده شرکت کنم، مخالفت‌ها شروع شد. اطرافیانم می‌پرسیدند چرا فکر می‌کنی بین این همه کمدین، ممکن است موفق و انتخاب شوی؟ در واقع نه تنها تشویقی در کار نبود بلکه مرحله به مرحله سعی می‌کردند منصرف کنند.

خودتان چه چشم‌اندازی از ادامه این راه داشتید؟

من به کارهای هنری علاقه داشتم، دوره‌های فیلمسازی و کارگردانی را گذرانده بودم. مدتی در باشگاه خبرنگاران جوان، خبرنگار فرهنگی بودم تا بتوانم از این راه با فعالان هنری سینما و تلویزیون ارتباط برقرار کنم. تجربه دستیار کارگردانی، فیلم کوتاه و تله‌فیلم داشتم اما بعد از فراخوان برنامه خنداننده بود که کار استندآپ را به‌صورت جدی آغاز کردم.

به بازیگری هم فکر کرده بودید؟

نه چندان، از ابتدا بیشتر دنبال نویسندگی و کارگردانی بودم. اما استندآپ هم در دسته کارهای اجرا قرار می‌گیرد و به‌نظرم این کار به علاقه من نزدیک‌تر است. هر چند تجربه‌های پرانگیزه‌ای هم در بازیگری دارم، مثلاً قرار است در یک سریال نمایش خانگی چند قسمت بازی کنم یا در فیلم بازیوو که در حال اکران است، نقشی داشته‌ام.

به نظر خودتان نقطه قوت کار شما چه بود که با وجود همه ناامیدی‌های اطرافیان، توانستید توجه مخاطبان استندآپ کمدی را جلب کنید؟

بزرگ‌ترین ویژگی کار من این بود که خودم بودم، سعی نکردم ادای کسی را دربیاورم. وقتی بیننده اجرای مرا می‌دید، نمی‌شنیدم که بگویند ادای فلان بازیگر یا کمدین را درمی‌آورم. سعی کردم کار اکثر خودم را حفظ کنم و فکر می‌کنم همین ویژگی باعث شد کارهایم به دل مخاطب بنشیند.

به تجربه‌های کسه این مدت در کار کمدی کسب کرده‌اید، به نظر تان در این کار چه چالش‌هایی وجود دارد؟

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم. خودم یکی دوبار با بعضی مشاغل شوخی کردم و کارم به دادسرای فرهنگ و رسانه و جواب‌دادن به شکایت فعالان آن شغل رسید. این توقع که به‌نظرم من می‌توان با همه شوخی کرد

به نظر شما یک استندآپ کمدین، جز استعداد طنز، چه مهارت‌هایی باید یاد بگیرد؟

دوره‌های اینطور بود که همه می‌خواستند خواننده بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم. خودم یکی دوبار با بعضی مشاغل شوخی کردم و کارم به دادسرای فرهنگ و رسانه و جواب‌دادن به شکایت فعالان آن شغل رسید. این توقع که به‌نظرم من می‌توان با همه شوخی کرد

چطور ممکن است؟ یک از طرف نباید خط و مرز تعیین کنیم،

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

شوند، هر طرف رنگه می‌کردی یکی بود که شروع به خواندن می‌کرد و خیلی‌ها هم موفق نمی‌شدند. الان همه فکر می‌کنند می‌توانند استندآپ اجرا کنند در حالی که واقعا اینطور نیست. بخشی از کار به استعداد ذاتی برمی‌گردد، در کنار آن بیان فرد و تسلط روی بدنش خیلی مهم است. اجرای استندآپ با بازیگری فرق دارد، اما باید حداقل‌هایی را در این حوزه یاد بگیرد، متن، نوشتن و ذهن خلاق برای یک استندآپ کمدین اهمیت ویژه‌ای دارد. باید با اخبار روز آشنا باشد و اتفاقات اطرافش ایده بگیرد.

کارهای کمدی که در فضای مجازی و صفحات شخصی بعضی افراد انجام می‌شود را دنبال می‌کنید؟

راستش خیلی سلیقه من نیست. البته چند نفری هم هستند که خوب کار می‌کنند اما فضای کلی اینطور شده که صاحبان این صفحات دیگر به همه چیز برای خندانند مخاطب چنگ می‌زنند و گاهی هم هدفشان فقط بالا بردن تعداد دنبال‌کنندگان‌شان است. گاهی این افراد وارد حوزه‌هایی می‌شوند که پذیرفتنی نیست. باز هم استانداردهای مناسب متن و اجرا کار می‌کنند و به مخاطب احترام می‌گذارند. فکر می‌کنم باید چنین استانداردهایی را در پیام‌ها و از این افراد فحاشی در جهت درست استفاده کنیم. فضای مجازی به کشف شدن بعضی استعدادها کمک کرده است.

شما با این ایده که کمدین نباید مرزی برای شوخی داشته باشد موافقت، یا فکسر می‌کنید در کار کمدی هم باید حد و مرزهایی وجود داشته باشد؟

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.

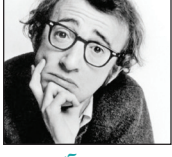
بزرگ‌ترین چالش این است که در کشور ما، با هر چیزی نمی‌توان شوخی کرد. در این شرایط خندانند مخاطب سخت است. متأسفانه هر چه جلو می‌رویم، انگار فضا بسته‌تر می‌شود، افراد سختگیرتر می‌شوند و دیگر حتی با مشاغل مختلف هم نمی‌توانیم شوخی کنیم.



چارلی چاپلین سلطان کمدین‌ها



نورمن ویزدوم کت و شلوار گشاد



وودی آلن شوخی یا جدی؟



جیم کری معمولی غیرمعمول



ادی مورفی مردی عاشق کودکان



رابین ویلیامز رنسانس کمدی



مگر می‌شود حرف کمدی باشد و یاد آن مرد کت و شلوازی با سبیل نصفه و عصایی در دست نبغیم؟ با شنیدن کمدی بی‌شک نخستین نامی که در ذهن بسیاری پررنگ می‌شود، چارلی چاپلین، کمدین مشهور انگلیسی است. او را در کاراکتر ولگرد با آن کت و شلوار مندرس و عصای معروف نمی‌توان نادیده گرفت. او نویسنده، کارگردان، آهنگساز، تهیه‌کننده و بی‌شک نماد سینمای صامت بود. از مشهورترین فیلم‌های او می‌توان به «عصر جدید» و «چوبندگان طلا»، «روشنایی‌های شهر» و «دیکتاتور بزرگ» اشاره کرد. در سال ۱۹۹۸ منتقد فیلم اندرو ساریس، چاپلین را اینگونه توصیف کرد: «بدون شک چاپلین یگانه و مهم‌ترین هنرمند تاریخ سینماست. او خارق‌العاده‌ترین عملکرد را داشته و احتمالاً هنوز جهانی‌ترین نماد است.»

نورمن ویزدوم، یکی از کمدین‌های سرشناس انگلیس است که در دهه‌های نخست قرن بیستم توانست صدای خنده را در سال‌های سینما بلند کند. او با کلاه پارچه‌ای و کت و شلوار گشاد معروفش در بیش از ۳۰ فیلم به بازی پرداخت. او در سال ۲۰۰۰ برای فعالیتش در زمینه هنر و سرگرمی از دربار سلطنتی بریتانیا لقب شوالیه گرفت. ویزدوم در نوادمین سالروز تولدش در سال ۲۰۰۵ از فعالیت هنری کناره گرفت و به بیش از نیم‌قرن حضور در عرصه سینما و تلویزیون پایان داد. او در سال ۲۰۱۰ در حالی که ۹۵ سال سن داشت، در گذشت تا خاطره آثار بر تعدادش را برای دوستدارانش به یادگار بگذارد. او با کلاه پارچه‌ای و کت و شلوار گشاد معروفش در بیش از ۲۰ فیلم به بازی پرداخت.

وودی آلن، فیلمساز سرشناس آمریکایی از پیشگوسوتان عرصه کمدی سینمای آمریکا به شمار می‌رود. آلن علاوه بر کارگردانی و نویسندگی در بسیاری از آثار خود نقش آفرینی کرده است. آلن متولدسال ۱۹۳۵ است و در فیلم‌هایی چون «آنی هال»، «پیول را بردار و فرار کن» و «زلیگ» نقش آفریده است. فیلم‌های آلن پر از ارجاع به چهره‌های سرشناس ادبی و آثار آنتیست و در اغلب آثارش می‌توان نشانی از یک شخصیت نویسنده یافت. او سال‌هاست که با عینک و ظاهر معروفش آثار کمدی زیبایی خلق و در برخی از موفق‌ترین هایشان بازی کرده است. در سال ۲۰۰۴ کمدی «سترال» نام آلن را در فهرست ۱۰۰ استندآپ کمدین بزرگ جهان رتبه‌بندی کرد و یک نظرسنجی در بریتانیا آلن را سومین کمدین بزرگ معرفی کرد. آلن، ۱۶ نامزدی جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی دریافت کرده‌است.

جیم کری اوایل دهه ۹۰ با بازی در سریال تلویزیونی «بارنگ زنده» به شهرت رسید و با درخشش در فیلم‌های سینمایی «پس نتوا: کار آگاه حیوانات»، «حق و احمق‌تر» و «هاسک» به یکی از ستاره‌های کمدی هالیوود تبدیل شد. او در بسیاری از فیلم‌ها نقش مردی با زندگی معمولی را بازی می‌کند که در اثر رویدادی ناگهان زندگی او زیر و رو می‌شود. در «هاسک» نقابی جادویی پیدا می‌کند که به او قدرتی فراشرعی می‌دهد. در «دروغ‌گو» وکیلی است که با به حقیقت پیوستن آرزوی پسرش دچار مشکل می‌شود و در «نمایش ترومن» پی می‌برد که تمام زندگی او بخشی از برنامه تلویزیونی است. اگرچه کوری تا حد زیادی به‌عنوان بازیگر کمدی شناخته می‌شود اما در نقش‌های نمایشی نیز موفق بوده‌است.

ادی مورفی بیشتر در نقش‌های کمدی فیلم‌های خانوادگی بازی کرده است. از جمله در فیلم «هپدکودک بابا» که نقش مردی را بازی می‌کند که به کودکان علاقه زیادی دارد و به خوبی با آنها ارتباط برقرار می‌کند و به همین جهت در خانه خود مهد کودکی تأسیس می‌کند. شهرت و تسلط ادی مورفی بر گیشه با استندآپ کمدی‌ها و بازی‌های درخشان به‌عنوان بازیگر معمولی «بخش زنده شنبه‌شب» از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴. از خنده‌های مخصوص‌اش که بخشی از جینت‌ناپذیر از فرهنگ پاپ دهه ۱۹۸۰ بود، آغاز شد. مورفی، کمدین محبوبی که همیشه یک بازیگر سرگرم‌کننده بر کار بوده است، همچنان به ساخت فیلم می‌پردازد و شایعات مربوط به آلبوم یا تور کمدی دیگری از او هر از گاهی پخش می‌شود.

رابین ویلیامز بدون شک در اواسط دهه ۷۰ کمدی‌پنسی با شگفت‌انگیزترین و الهام‌بخش‌ترین روال استندآپ در سان‌فرانسیسکو بود؛ جایی که او یک رنسانس کمدی را رهبری کرد. پس از یک نقش آفرینی خنده‌دار در برنامه تلویزیونی «روزهای شاد»، به ویلیامز برنامه اختصاصی خود به نام «مورک و میندی» داده شد؛ جایی که بیگانه عجیب و غریب دوست‌داشتنی او مورک، قلب آمریکا را رود و در عین حال نخستین نسخه تلویزیونی آن را هم در پی داشت. نام ویلیامز بارها تیتز درشت مطبوعات بوده و زندگی خصوصی او همیشه برای دوستداران سینما جالب بوده است. شاید نخستین شایعات درباره او در اوایل کار حرفه‌ای‌اش بر سر زبان‌ها افتاد. منتقدین سینما معتقدند او ستاره درخشانی در دنیای کمدی بود که با مرگ دردناکش، دنیای سینما و صحنه استندآپ کمدی را در یک تاریکی فرو برد.

کمدی

آشنایی با بهترین و محبوب‌ترین کمدین‌های تاریخ سینمای جهان

خالقان خنده مردم

مگر می‌شود حرف کمدی باشد و یاد آن مرد کت و شلوازی با سبیل نصفه و عصایی در دست نبغیم؟ با شنیدن کمدی بی‌شک نخستین نامی که در ذهن بسیاری پررنگ می‌شود، چارلی چاپلین، کمدین مشهور انگلیسی است. او را در کاراکتر ولگرد با آن کت و شلوار مندرس و عصای معروف نمی‌توان نادیده گرفت. او نویسنده، کارگردان، آهنگساز، تهیه‌کننده و بی‌شک نماد سینمای صامت بود. از مشهورترین فیلم‌های او می‌توان به «عصر جدید» و «چوبندگان طلا»، «روشنایی‌های شهر» و «دیکتاتور بزرگ» اشاره کرد. در سال ۱۹۹۸ منتقد فیلم اندرو ساریس، چاپلین را اینگونه توصیف کرد: «بدون شک چاپلین یگانه و مهم‌ترین هنرمند تاریخ سینماست. او خارق‌العاده‌ترین عملکرد را داشته و احتمالاً هنوز جهانی‌ترین نماد است.»

نورمن ویزدوم، یکی از کمدین‌های سرشناس انگلیس است که در دهه‌های نخست قرن بیستم توانست صدای خنده را در سال‌های سینما بلند کند. او با کلاه پارچه‌ای و کت و شلوار گشاد معروفش در بیش از ۳۰ فیلم به بازی پرداخت. او در سال ۲۰۰۰ برای فعالیتش در زمینه هنر و سرگرمی از دربار سلطنتی بریتانیا لقب شوالیه گرفت. ویزدوم در نوادمین سالروز تولدش در سال ۲۰۰۵ از فعالیت هنری کناره گرفت و به بیش از نیم‌قرن حضور در عرصه سینما و تلویزیون پایان داد. او در سال ۲۰۱۰ در حالی که ۹۵ سال سن داشت، در گذشت تا خاطره آثار بر تعدادش را برای دوستدارانش به یادگار بگذارد. او با کلاه پارچه‌ای و کت و شلوار گشاد معروفش در بیش از ۲۰ فیلم به بازی پرداخت.

وودی آلن، فیلمساز سرشناس آمریکایی از پیشگوسوتان عرصه کمدی سینمای آمریکا به شمار می‌رود. آلن علاوه بر کارگردانی و نویسندگی در بسیاری از آثار خود نقش آفرینی کرده است. آلن متولدسال ۱۹۳۵ است و در فیلم‌هایی چون «آنی هال»، «پیول را بردار و فرار کن» و «زلیگ» نقش آفریده است. فیلم‌های آلن پر از ارجاع به چهره‌های سرشناس ادبی و آثار آنتیست و در اغلب آثارش می‌توان نشانی از یک شخصیت نویسنده یافت. او سال‌هاست که با عینک و ظاهر معروفش آثار کمدی زیبایی خلق و در برخی از موفق‌ترین هایشان بازی کرده است. در سال ۲۰۰۴ کمدی «سترال» نام آلن را در فهرست ۱۰۰ استندآپ کمدین بزرگ جهان رتبه‌بندی کرد و یک نظرسنجی در بریتانیا آلن را سومین کمدین بزرگ معرفی کرد. آلن، ۱۶ نامزدی جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی دریافت کرده‌است.

جیم کری اوایل دهه ۹۰ با بازی در سریال تلویزیونی «بارنگ زنده» به شهرت رسید و با درخشش در فیلم‌های سینمایی «پس نتوا: کار آگاه حیوانات»، «حق و احمق‌تر» و «هاسک» به یکی از ستاره‌های کمدی هالیوود تبدیل شد. او در بسیاری از فیلم‌ها نقش مردی با زندگی معمولی را بازی می‌کند که در اثر رویدادی ناگهان زندگی او زیر و رو می‌شود. در «هاسک» نقابی جادویی پیدا می‌کند که به او قدرتی فراشرعی می‌دهد. در «دروغ‌گو» وکیلی است که با به حقیقت پیوستن آرزوی پسرش دچار مشکل می‌شود و در «نمایش ترومن» پی می‌برد که تمام زندگی او بخشی از برنامه تلویزیونی است. اگرچه کوری تا حد زیادی به‌عنوان بازیگر کمدی شناخته می‌شود اما در نقش‌های نمایشی نیز موفق بوده‌است.

ادی مورفی بیشتر در نقش‌های کمدی فیلم‌های خانوادگی بازی کرده است. از جمله در فیلم «هپدکودک بابا» که نقش مردی را بازی می‌کند که به کودکان علاقه زیادی دارد و به خوبی با آنها ارتباط برقرار می‌کند و به همین جهت در خانه خود مهد کودکی تأسیس می‌کند. شهرت و تسلط ادی مورفی بر گیشه با استندآپ کمدی‌ها و بازی‌های درخشان به‌عنوان بازیگر معمولی «بخش زنده شنبه‌شب» از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴. از خنده‌های مخصوص‌اش که بخشی از جینت‌ناپذیر از فرهنگ پاپ دهه ۱۹۸۰ بود، آغاز شد. مورفی، کمدین محبوبی که همیشه یک بازیگر سرگرم‌کننده بر کار بوده است، همچنان به ساخت فیلم می‌پردازد و شایعات مربوط به آلبوم یا تور کمدی دیگری از او هر از گاهی پخش می‌شود.

رابین ویلیامز بدون شک در اواسط دهه ۷۰ کمدی‌پنسی با شگفت‌انگیزترین و الهام‌بخش‌ترین روال استندآپ در سان‌فرانسیسکو بود؛ جایی که او یک رنسانس کمدی را رهبری کرد. پس از یک نقش آفرینی خنده‌دار در برنامه تلویزیونی «روزهای شاد»، به ویلیامز برنامه اختصاصی خود به نام «مورک و میندی» داده شد؛ جایی که بیگانه عجیب و غریب دوست‌داشتنی او مورک، قلب آمریکا را رود و در عین حال نخستین نسخه تلویزیونی آن را هم در پی داشت. نام ویلیامز بارها تیتز درشت مطبوعات بوده و زندگی خصوصی او همیشه برای دوستداران سینما جالب بوده است. شاید نخستین شایعات درباره او در اوایل کار حرفه‌ای‌اش بر سر زبان‌ها افتاد. منتقدین سینما معتقدند او ستاره درخشانی در دنیای کمدی بود که با مرگ دردناکش، دنیای سینما و صحنه استندآپ کمدی را در یک تاریکی فرو برد.